نگاه

سیدرحیم نعمتی

باخت جمهوریخواهان در رینگ تعطیلی دولت

باراک اوباما سرانجام و بعد از دو هفته تعطیلی دولتش توانست رادیکال‌های جمهوریخواه در کنگره را به زانو درآورد و آنها را مجبور به موافقت با لایحه بودجه خود کند. طرف مقابل او جان بینر، رئیس مجلس نمایندگان بود که توانست در این مدت سرسختانه در مقابل اوباما و لایحه او مقاومت کند. به دلیل این تقابل بود که اوباما در روز نخست از ماه اکتبر مقابل شبکه‌های رادیو و تلویزیونی ظاهر شد تا اعلام کند که به دلیل عدم تصویب لایحه بودجه فدرال در کنگره، نهادهای دولتی دیگر نمی‌توانند به کار خود ادامه دهند و با این اعلام، مبارزه او با رقبای جمهوریخواه وارد دور جدیدی شد. او در آن موقع فقط ۱۶ روز تا پنج‌شنبه ۱۷ اکتبر فرصت داشت چون در این پنج‌شنبه ضرب‌الاجل برای رسیدن دولت و کنگره به توافقی بر سر لایحه بودجه به سر می‌رسید و اگر تا ساعت ۱۱:۵۹ این روز به توافقی نمی‌رسید، او از بازپرداخت بدهی‌هایش بازمی‌ماند. در واقع اوباما در سال گذشته میلادی هم مبارزه مشابهی با رقبای جمهوریخواه بر سر بودجه و سقف استقراض دولت داشت اما آن مبارزه به تعطیلی دولت فدرال منجر نشده بود اما گویا او دیگر نمی‌توانست به سبک گذشته با آنان بجنگد و باید روش خود را تغییر می‌داد. تعطیلی دولت تغییر روش اوباما بود تا آنکه جمهوریخواهان را تنها به رودررویی با دولت نکشاند بلکه بسیار بیشتر از این، آنها را در برابر مردم و مبانی اساسی اقتصاد امریکا قرار بدهد.

این تغییر روش به معنای تبدیل مبارزه در یک سطح بسیار جدی‌تر بود تا آنجا که اوباما زمین مبارزه را مبدل به رینگ بوکسی کرد که باید در نهایت یکی ناک‌اوت شود. اوباما با این تغییر روش به رینگ بوکس رفت و آماده ضربه زدن و البته ضربه خوردن شد اما مسئله اساسی در مبارزه این بود که ضربه‌های او بسیار سنگین‌تر از طرف مقابل بود. ضربه‌های او بسیار سنگین‌تر بود چون جمهوریخواهان نمی‌توانستند با به سر رسیدن آن ضرب‌الاجل گناه عواقب سوء عدم‌توافق را به گردن بگیرند. امریکا در این مدت کم ۱۶ روزه هم متحمل ۲۴ میلیارد دلار خسارت اقتصادی شد و رشد اقتصادی آن در فصل پاییز به نحو چشمگیری کاهش یافت. اگر جمهوریخواهان کوتاه نمی‌آمدند و دولت امریکا ناتوان از پرداخت اصل و بهره اوراق قرضه دولتی می‌شد مسلم بود که آثار این یکی بسیار بیشتر و وسیع‌تر از آن ۱۶ روز بود. همین امر باعث شد تا در نهایت جمهوریخواهان در رینگ مبارزه به زمین بیفتند و شخصیت‌های برجسته آن اعتراف به شکست کنند. جان بینر که رهبری این مبارزه را در برابر اوباما به عهده داشت، گفت که ما خوب جنگیدیم ولی نبردیم. او با این گفته سعی کرد تا اعتراف به شکست را به صورتی نرم بیان کرده باشد اما جان مک کین صریح‌تر از او بود و این مبارزه و نتیجه آن را به این صورت توصیف کرد: تقابل جمهوریخواهان با دولت «یکی از خجالت‌بارترین دوره‌هایی بوده که من در سال‌های حضورم در سنا دیده‌ام» و دیگر سناتور جمهوریخواه، لینزی گراهام، این دو هفته را روزهای بد برای جمهوریخواه نامید.

اکنون، مسئله این است که بعد از این مبارزه وضعیت چگونه خواهد بود و دستاورد آن چه برای اوباما و چه برای رقبای او در حزب جمهوریخواه چه خواهد بود. پرواضح است که اوباما با پیروزی در این رینگ تنها دخل و خرج دولتش را تا ماه ژانویه تأمین نکرد که در اثر آن حدود ۲ میلیون کارمند فدرال توانستند به سر کار خود بازگردند. دستاورد اوباما بسیار بیشتر از این است و توانست با ناک‌اوت کردن حریف در رینگ یک پیروزی سیاسی قابل توجه به دست آورد. مبارزه او یادآور مبارزه بیل کلینتون در سال ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ است که در آن موقع هم مبارزه دولت را به تعطیلی کشاند و نتیجه آن پیروزی کلینتون و ضربه وارد کردن بر حزب جمهوریخواه در نزد افکار عمومی امریکا بود. نیوت گینگریچ در آن زمان رهبر جمهوریخواه مجلس نمایندگان بود که به همراه باب دال، رهبر جمهوریخواه سنا، در مقابل کلینتون قرار گرفتند اما این تقابل موجب کاهش محبوبیت آنان در افکار عمومی شد تا آنجا که حدود دوسوم امریکایی‌ها با عملکرد آنها مخالفت کردند. به نظر می‌رسد که وضعیتی مشابه در انتظار جان بینر و جناح جمهوریخواه آنان به خصوص در مجلس نمایندگان باشد. احتمال این نتیجه از آنجایی تقویت می‌شود که تعطیلی‌ها در زمان کلینتون تأثیر مستقیم و جدی بر زندگی معمولی امریکایی‌ها نداشت اما این امر در وضعیت فعلی بحران مالی و رشد ضعیف اقتصادی امریکا صورت کاملا متفاوتی پیدا کرده است. مردم امریکا در این وضعیت احساس می‌کنند که تعطیلی دولت فدرال بر زندگی و معیشت آنان تأثیر گذاشته و مقصر آن هم جمهوریخواهان هستند. از این جهت است که نمی‌توان انتظار موفقیتی برای جمهوریخواهان در انتخابات دو سال بعد کنگره داشت مگر اینکه آنان بتوانند بعد از این ماجرا و به طریق دیگری ضربه کاری بر دولت دموکرات اوباما وارد کنند.

دریچه

رحمان نعیمی

معارضان اسد بقای خود را در تداوم جنگ می‌دانند

جنگ پرتاب پیش‌شرط‌ها به ژنو ۲

روشن است معارضان سوری و کشورهای منطقه‌ای حامی آنها در مقابل فشار امریکا و متحدان اروپایی آن مقاومت خواهند کرد اما به نظر می‌رسد که این مقاومت نیز به جایی نخواهد رسید زیرا میزان وابستگی به امریکا و دیگر کشورهای اروپایی تا آن حد است که به قبول خواسته امریکا و متحدان اروپایی آن ختم شود. باید منتظر ژنو۲ بود تا در آن وضعیت بحران سوریه مشخص شود. ابراهیمی با توجه به این جهت‌گیری جدی، به سوی راه‌حل سیاسی است که از حاشیه‌نشینی خارج شده و زبان چانه‌زنی خود را به کار برد

اخضر الابراهیمی از سپتامبر ۲۰۱۲ جای کوفی عنان را گرفت تا به عنوان نماینده سازمان ملل و اتحادیه عرب در بحران سوریه نقش میانجی را داشته باشد. عنان در مدت کوتاه از تصدی در این مقام پی به پیچیدگی پرونده برد و اینکه حل مشکل سوریه فراتر از توان او است اما گویا ابراهیمی بدون توجه به این تجربه عنان به میدان آمد و هر چند که بعضی مواقع تهدید به استعفا می‌کرد اما به نظر می‌رسد که می‌خواهد تا پایان ماجرا بماند. او نسبت به عنان مدت زمان طولانی‌تری را تحمل کرده اما همان حداقل کار عنان در ارائه طرح صلح را هم انجام نداده است. در واقع ابراهیمی از ابتدای کار به حاشیه‌نشینی رضایت داده اما وقتی که با نبیل العربی، دبیر کل اتحادیه عرب در قاهره خبر از برگزاری کنفرانس ژنو ۲ در ۲۳ نوامبر را داد، وضعیت او کمی فرق کرد. او با اعلام این خبر وعده برگزاری کنفرانسی را در زمانی داد که حتی جان کری، وزیر امور خارجه امریکا، یا سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، نیز زمان آن را تعیین نکردند و به این وسیله، سعی کرد از حاشیه‌نشینی خارج شود و نقش فعالی در مأموریت خود داشته باشد.

■ تحرک مأمور پس از حاشیه‌نشینی طولانی

حاشیه‌نشینی ابراهیمی در این مدت طولانی بی‌دلیل نیست زیرا او به خوبی از تجربه عنان آگاه بود و می‌دانست که بحران سوریه تنها به این کشور محدود نمی‌شود و بخش قابل توجهی از گره کار در خارج از این کشور است. او دریافت که نقش کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای در این بحران بسیار پررنگ‌تر از ظاهر امر است و تا وقتی که یک نوع اجماع برای راه‌حل سیاسی در خارج از سوریه ایجاد نشود، نمی‌توان کاری از پیش برد. اکنون که او به راه افتاده از یک چیز مطمئن شده و آن توافق اصولی امریکا و روسیه بر سر راه‌حل سیاسی در بحران سوریه است که البته کشورهای اروپایی متحد امریکا نیز موافق آن هستند. مشکل اصلی در این وضعیت معارضان مسلح سوری در داخل سوریه و معارضان سیاسی در خارج از این کشورند که به نظر می‌رسد با پیش‌شرط‌هایشان مانع جدی در رسیدن به یک راه‌حل سیاسی باشند. امریکا و متحدان اروپایی آن معارضان سیاسی خارج‌نشین تحت عنوان ائتلاف ملی سوریه را به لندن فراخواندند تا آنها را با قبول شرکت در ژنو۲ متقاعد کنند اما آنها در نشست لندن هم باز بر پیش‌شرط‌های خود تأکید کردند. هم ابراهیمی و هم قدرت‌های بین‌المللی به ویژه امریکا و روسیه می‌دانند که با این پیش‌شرط‌ها نمی‌توان امیدی به برگزاری ژنو ۲ در ۲۳ نوامبر داشت. دلیل این نتیجه روشن است زیرا پیش‌شرط‌ها موضوعاتی را مطرح می‌کنند که باید از طریق ژنو ۲ یا حتی مذاکرات بعدی بر سر آنها به توافق رسید. معلوم است که پیش‌شرطی مثل عدم نقش بشار اسد در دولت انتقالی از طرف نظام سوریه مردود است و حداقل حکومت سوریه به عنوان یک طرف اصلی مذاکره حاضر نیست با این پیش‌شرط در ژنو ۲ یا هر نوع مذاکره دیگری شرکت کند.

■ دلایل پیش‌شرط‌های معارضان

بنابر این، معارضان خارج‌نشین با پیش‌شرط‌هایشان مانع اصلی در راه ژنو ۲ ایجاد کرده‌اند و همین نیز کار را بر ابراهیمی سخت کرده و وضعیت امریکا و متحدان اروپایی آن نیز به همین صورت است. اکنون مسئله این است که چرا ائتلاف ملی و معارضان با وجود توافق اصولی امریکا و روسیه و فعال شدن ابراهیمی باز با طرح پیش‌شرط‌ها مانع برگزاری ژنو ۲ می‌شوند؟ پاسخ به این سؤال از دو جهت قابل بیان است. جهت نخست مربوط به آن دسته از کشورهای حامی ائتلاف ملی می‌شود که راه‌حل سیاسی در بحران سوریه را در تضاد با منافع و سرمایه‌گذار خود در این بحران می‌دانند. عربستان سعودی یکی از این کشورهاست که در طول دو سال و نیم اخیر و با تربیت و تسلیح نیروهای تندرو و اعزام آنها به سوریه سرمایه‌گذاری هنگفتی در بحران سوریه کرده و حتی تعداد قابل توجهی از نیروهای امنیتی- نظامی خود را نیز در سوریه از دست داده است. ختم بحران سوریه از طریق راه‌حل سیاسی به معنای برباد رفتن این سرمایه‌گذاری عربستان است و ریاض نمی‌تواند این نتیجه را قبول کند. جهت دیگر مربوط به همان معارضان و جایگاه آنها در مناقشه سوریه می‌شود. واقعیت امر این است که ائتلاف ملی سوریه مجمعی از معارضان خارج‌نشین سوری است که رابطه اساسی و قابل قبولی با مردم سوریه ندارند. آنها نه نماینده حزبی ریشه‌دار هستند و نه از سوی قشری از جامعه سوریه در این ائتلاف حضور دارند و حتی این ائتلاف ارتباط نزدیک و مشخصی با معارضان مسلح در داخل سوریه مثل ارتش آزاد سوریه ندارد تا چه رسد به گروهی مثل جبهه النصره که از اساس سر ناسازگاری با ائتلاف ملی دارد. وضعیت معارضان حاضر در ائتلاف ملی سوریه در صورت یک راه‌حل سیاسی چگونه خواهد بود و بخش عمده‌ای از آنها با قبول این راه‌حل در آینده سیاسی سوریه چه جایگاهی خواهند داشت؟

واقعیت برای آینده سیاسی بخش عمده‌ای از اعضای ائتلاف ملی نامشخص است. تجربه‌های گذشته نشان داده که تعداد قابل توجهی از مخالفان در آینده سیاسی کشورشان به حاشیه رانده می‌شوند و آن تعدادی هم که می‌مانند چندان اعتمادی به ثبات سیاسی آنها نیست. سقوط نظام سوریه از طریق نظامی می‌توانست امیدی برای اعضای موسوم به ائتلاف ملی ایجاد کند یا در دولت آینده سوریه یا حداقل در بخش‌هایی از این کشور جایگاهی داشته باشد اما راه‌حل سیاسی و مشارکت نظام سوریه در ترکیب آینده سیاسی سوریه این امید را از آنها گرفته است. حضور اعضای حاضر در ائتلاف ملی سوریه به این جهت است که پیش‌شرط‌های خود را مطرح می‌کنند تا با سنگ‌اندازی در راه ژنو ۲، همچنان راه‌حل نظامی را حفظ کنند به این امید که در نهایت بتوانند بعد از سقوط نظام سوریه جایی در این کشور داشته باشند. تا اینجای کار مشخص شده که آنها توفیقی در رسیدن به این هدف نداشتند و اصرار آنها بر پیش‌شرط‌ها جز خرابی و کشتار بیشتر در سوریه نتیجه دیگری نداشته است. این نتیجه‌ای است که اکنون امریکا متقاعد به آن شده و توافق اصولی این کشور با روسیه موجب تحرک جدید ابراهیمی شده است.

امریکا برای اجرای این توافق اصولی چاره‌ای جز فشار بر ائتلاف ملی و کشورهای حامی آن ندارد. روشن است که معارضان سوری و کشورهای منطقه‌ای حامی آن‌ها در مقابل فشار امریکا و متحدان اروپایی آن مقاومت خواهند کرد اما به نظر می‌رسد که این مقاومت نیز به جایی نخواهد رسید زیرا میزان وابستگی به امریکا و دیگر کشورهای اروپایی تا آن حد است که به قبول خواسته امریکا و متحدان اروپایی آن ختم شود. باید منتظر ژنو ۲ بود تا در آن وضعیت بحران سوریه مشخص شود. ابراهیمی با توجه به این جهت‌گیری جدی، به سوی راه‌حل سیاسی است که از حاشیه‌نشینی خارج شده و زبان چانه‌زنی خود را به کاربرد.

دیدگاه

قاسم غفوری

غرب رنگ سلطه بر سومالی را عوض می‌کند

سومالی کشوری در آفریقا با موقعیت جغرافیایی انحصاری یعنی قرار داشتن در حد فاصل دریای سرخ و خلیج عدن (تنگه باب‌المندب) در طول دو دهه گذشته با چالش‌های گسترده‌ای مواجه بوده است. کشوری که می‌توانست با برخورداری از منابع انرژی و نیز موفقیت جغرافیایی خود کشوری ثروتمند و تأثیرگذار در جهان باشد اما اکنون فقیرترین کشور جهان است که از ۱۰ میلیون نفر جمعیت آن ۸ میلیون نفر در فقر زندگی کرده و نیازمند کمک جهانی هستند.

در ماه‌های اخیر امریکا، فرانسه و انگلیس سناریوهای جدیدی را در قبال این کشور آغاز کرده‌اند که محور آن رویکرد به مشوق‌ها در کنار تنبیهات و تهدیدات است. براساس این سناریو غرب تلاش می‌کند تا در کنار سیاست تهدید از مشوق‌های اقتصادی، بین‌المللی و نظامی برای رسیدن به منافع خود که همان اجرای سیاست سلطه بر سومالی است استفاده کند. آرزوی سلطه بر سومالی که امریکا از دهه ۱۹۹۰ تاکنون به دنبال آن بوده و تاکنون موفق به اجرای آن نشده است. رویکرد اولیه امریکا در راستای سلطه بر این کشور بدواً با لشکرکشی به این کشور در جهت طرح تجزیه و بحران‌سازی در این کشور شکل گرفت که نتیجه آنها را در بحران‌های دو دهه اخیر این کشور می‌توان مشاهده کرد. اگرچه سیاست اشغالگری دوام نداشت و تحریم و تهدید سومالی ادامه داشت و دولت باراک اوباما مسیر دولت‌های قبلی در این زمینه را در پیش گرفت.

از دستورات باراک اوباما اعمال فشار برای قطع کمک‌های سازمان ملل به سومالی بود که بر مرگ هزاران نفر منجر شد. امریکایی‌ها در کنار حربه کشتار آرام مردم سومالی با تحریم و گرفتارسازی در فقر و گرسنگی طرح‌های دیگری را نیز برای ورود به سومالی داشته است. ادعای گسترش القاعده در سومالی تحت عنوان گروه الشباب و تهدید امنیت جهانی توسط آنها از جمله این رفتارهاست. امریکایی‌ها برای سندیت دادن به ادعای خود در مقاطعی هر ناامنی در امریکا و صحنه بین‌الملل را به اتباع سومالی نسبت می‌دادند به عبارتی ادعای مبارزه با تروریسم بهانه امریکا برای جنگ‌افروزی علیه سومالی بوده است. مسئله دزدان دریایی از بهانه‌های دیگر امریکا برای مداخله در سومالی بوده است. ادعای امریکا برای مبارزه در حالی مطرح شده که بررسی‌ها نشان داده است امریکا از بانیان اصلی تشکیل دزدان دریایی سومالی بوده است تا در لوای آن اهداف منطقه‌ای و جهانی به ویژه سلطه به تنگه باب‌المندب را اجرایی سازد. استفاده از نیروهای اتحادیه آفریقا و سازمان ملل به بهانه برقراری امنیت در سومالی از دیگر طرح‌های امریکا علیه سومالی است که همچنان در حال اجراست. اما ظاهراً اوضاع در ماه‌های اخیر در حال تغییر است. لغو تحریم‌های تسلیحاتی سومالی و اعلام طرح امریکا برای ارسال سلاح برای دولت این کشور، طرح عضویت و حمایت صندوق بین‌المللی پول از سومالی، برگزاری اجلاس بین‌المللی لندن برای حل بحران امنیتی این کشور، بازگشایی سفارت انگلیس در سومالی پس از ۲۰ سال، مشروعیت دادن غرب به دولت حاکم بر سومالی و... از جمله این مشوق‌هاست. با توجه به این تفاسیر این سؤال مطرح است که آیا استراتژی امریکا در قبال سومالی تغییر کرده و این کشور به دنبال جبران اقدامات گذشته خود در سومالی است؟

در پاسخ به این پرسش چند نکته قابل توجه است. نخست آنکه امریکا همچنان سومالی را در لیست محورهای شرارت خود دارد و این کشور را همردیف کره شمالی، عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و ایران می‌داند. دوم آنکه امریکا از دهه ۱۹۹۰ تاکنون به دنبال سلطه بر سومالی بوده که نتوانسته است به این امر دست یابد و به نوعی سومالی به عامل حقارت امریکا در جهان مبدل شده است. سوم آنکه امریکا سلطه بر تنگه باب‌المندب میان خلیج عدن و دریای سرخ را استراتژی مهم خود می‌داند و حاضر به گذشتن از آن نیست. با توجه به این شرایط می‌توان گفت که رفتارهای جدید غرب در قبال سومالی برگرفته از تغییر تاکتیک آنها برای رسیدن به استراتژی قدیمی سلطه بر این کشور است. رفتار امریکا در قبال سومالی تغییر کرده است اما نه برای اصلاح رفتارهای گذشته و کمک به این کشور بلکه برای حذف اشتباهات گذشته در جهت رسیدن به منافع از پیش طراحی شد.

بر این اساس می‌توان گفت تحرکات امریکا البته به شکلی پیچیده‌تر از سابق علیه سومالی در آینده نیز ادامه خواهد داشت چراکه امریکا به دنبال سلطه بر سومالی به عنوان بخشی از پروژه سلطه بر آفریقاست چنانکه پنتاگون از طرح احداث ۳۵ پایگاه نظامی در آفریقا خبر داده که بخشی از آن شامل سومالی نیز می‌شود. به این ترتیب باید گفت تغییر رویه ظاهری کاخ سفید و اتخاذ رویکرد دوستانه دربرابر دولت سومالی تلاشی است برای بهره‌گیری از ادعاهای بشردوستانه به عنوان اسب تروای برای ورود به این کشور سلطه‌ناپذیر. در واقع باید این تغییر رویه را نوعی تغییر تاکتیک و صرفاً در جهت اتخاذ روش‌های تکمیلی نرم برای کارآمدسازی روش‌های سابق سخت سلطه بر سومالی تلقی کرد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۴۰۹۷

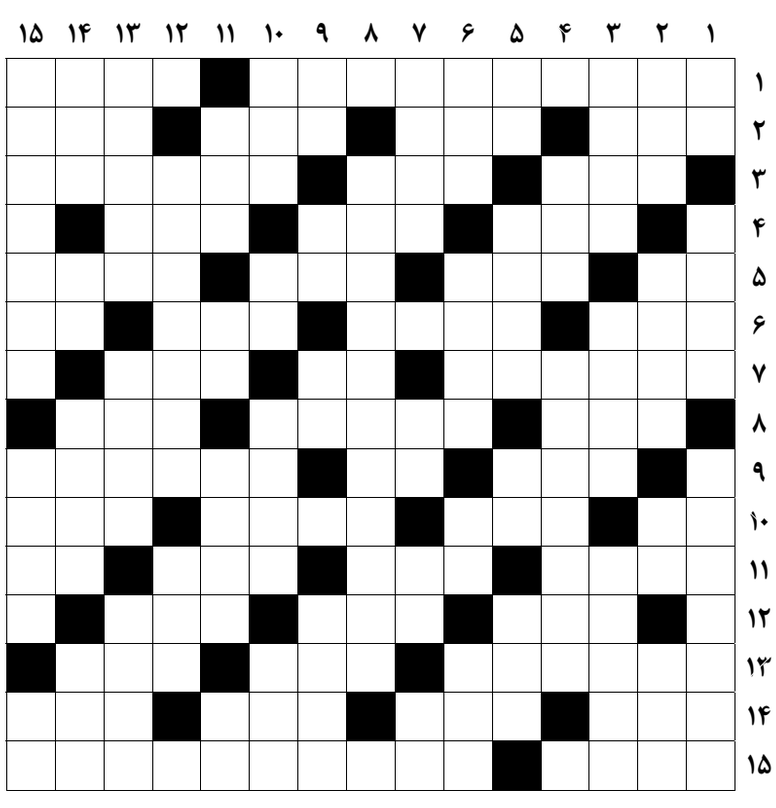

از راست به چپ

■ ۱- مؤلف کتاب گناهان کبیره - با آن خارها گل می‌شود ■ ۲- رایج‌ترین آفت گیاهان آپارتمانی - مار خطرناک - سرور و آقا - دانه تسبیح ■ ۳- نوعی گره - تلمبه - مهمترین و غنی‌ترین الگوی رفتاری برای دختران هستند ■ ۴- پرنده سعادت - ماست چکیده - قربانگاه حاجیان ■ ۵- برگ برنده - اولین دریافتی کاسب در روز - مرزبان - وارونه بانک ■ ۶- چرک و کثافت - کمک - لوله غذا - این گروه از ویتامین‌ها در کاهش خطر بیماری‌های قلبی و عروقی موثرند ■ ۷- از میوه‌های پرطرفدار تابستانی - مادر عرب - عصبانیت ■ ۸- یک حرف و سه حرف - چلچراغ - پول نقد ■ ۹- درس کشیدنی - ورق روزنامه - برتری و تغلب ■ ۱۰- کلمه شگفتی - شط - قلعه معروف هرمزگان - درجه‌ای در رشته‌های رزمی ■ ۱۱- سمبل و نشانه - لیست غذای رستوران - لقب معصوم - تکیه بر پشتی ■ ۱۲- فنی در کشتی - کیف مسافرتی - اختیار کامل ■ ۱۳- بوفه فرهنگستان - نباید به نرخ روز خورد - الفبای تلگراف ■ ۱۴- جایز و شایسته - سرشک - گوشت بن دندان - پناهگاه همسر ■ ۱۵- خودی - احتیاط و مدارا در رفتار با دیگران یا دیگری

از بالا به پایین

■ ۱- ریه - آشکار و روشن - پرسش از چگونگی و بحث و استدلال ■ ۲- بی‌احترامی کردن - مجموعه‌ای از سرگرمی‌ها را ارائه می‌دهد - اراده - زادگاه پدر شعر نو ■ ۳- خدای یهود - مسیر حرکت سیارات - سرنیزه‌ها ■ ۴- درد چشم - شایع‌ترین بیماری روحی سال‌های اخیر ■ ۵- رود روسیه - پاشنه‌اش ضرب‌المثل آسیب‌پذیری است - ترک استخوان - پرسش از جا و مکان ■ ۶- غذای رقیق - اثر سوختگی - در مثل غنیمت است - جزیره‌ای در دریاچه ارومیه ■ ۷- اندیشیدن - یار شیرازی - دور دهان - نوعی کشتی ■ ۸- بیماری خاموش ■ ۹- دریا - قدم یک‌پا - شیره انگور - متاع ■ ۱۰- هراس - پایه و بنیاد - پرچم - مقابل نظم ■ ۱۱- اهلی و دست‌آموز - مهره‌ای در شطرنج - دزدی - خدای درویش ■ ۱۲- اثر سروانتس، نویسنده اسپانیایی - اسب چاپار ■ ۱۳- گردنه‌ای در استان اردبیل - از نام‌های قرآن - نوعی سنگ زینتی ■ ۱۴- بسیار - مهریه حضرت زهرا - تیغه ماه - رشته و مجموعه ■ ۱۵- شیرابه‌های برگ و ساقه‌های گیاه خارشتر که ملین بوده و جوشانده آن برای سرفه و درد سینه مفید است - بیماری کم‌خونی - سدی در جنوب

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۱								۷
	۹						۱	
		۲	۴		۳	۹		
۸		۴	۵		۲	۳		۶
۳		۹	۷		۸	۱		۴
		۶	۹		۱	۵		
	۵						۳	
۷								۱

جدول کلمات متقاطع
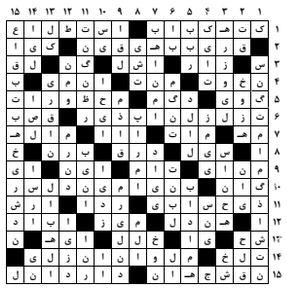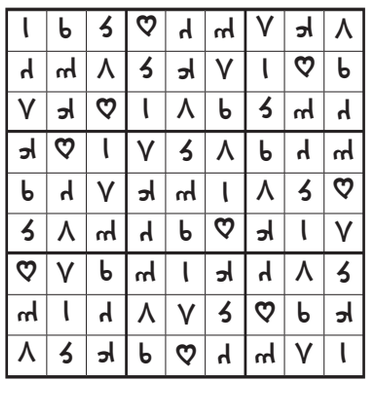
پاسخ جدول شماره ۴۰۹۶